



دین محمد جاوید

فعالیت‌های فرهنگی رهبر شهید باب‌به مزاری

مقدمه



رهبر شهید در زمانی زندگی می‌کرد که مردم از ناامنی رنج می‌بردند. سر مردم بی‌دفاع از زمین و آسمان آتش می‌بارید. او تلاش می‌کرد که امنیت را به وجود بیاورد و همیشه می‌گفت که امنیت پیش‌شرط تمام فعالیت‌های اجتماعی است. امنیت بود، پایه و اساسی علم و فرهنگ در یک جامعه گذاشته می‌شود. بنابراین، در دوران مزاری جنگ بود، مجال و فرصت برای کارهای علمی، فرهنگی و آموزشی به صورت بنیادین نبود که یک نظام آموزشی را تهداد گذاری کند، با آن‌هم، شهید مزاری، از همان آغاز فعالیت‌های اجتماعی خود، فعالیت فرهنگی را شروع کرد؛ چون از نقش دانش در تغییر جامعه آگاهی داشت؛ به همین خاطر تا جایی که امکان داشت در کنار فعالیت نظامی و سیاسی در رشد فرهنگ جامعه تلاش کرد.

فرهنگ، در دیدگاه شهید مزاری آن‌چنان اهمیت داشت که اساس همه پیشرفت‌های بشری را بر قدرت فناپذیر علمی و فرهنگی می‌دانست، تأمین استقلال را به شکوفایی فرهنگ یک ملت استوار می‌دانست و می‌گفت: «مبارزه باید در شکل‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی صورت بگیرد تا زمینه استقلال فراهم شود» مزاری، از اولین روزهای فعالیت خویش بالاترین سرمایه‌گذاری را در جهت مسائل فرهنگی کرده بود و تلاش کرد تحصیل همگانی شود تا جامعه تغییر کند. او باور داشت، تنها راه تغییر جامعه یادگیری علم است، به همین دلیل کارنامه فرهنگی شهید مزاری همان قدر پرافتخار و درخشان است که کارنامه سیاسی و نظامی او افتخار آور و غرور آفرین است؛ چون جوهر کارهای او انسانی بود و برای آسایش و رشد انسان کار و تلاش می‌کرد.

شهید مزاری در فعالیت‌های صادق و متعهد بود. ایشان به رشد فرهنگ مردمش دلسوز بود و برای توده‌های مردم می‌گفت: «امیدوارم که در افغانستان قهرمان و سربلند نیز، منطق دانش و فرهنگ جای تنگ‌نظری، قلدری و بی‌ثباتی را بگیرد» و همین صداقت سبب شد که به فریادگر عدالت‌خواهی تبدیل شود و مردمش را از نگاه فرهنگی متحول سازد و افق‌های نوین را به روی مردمش بگشاید.

کارنامه فرهنگی

شهید مزاری تعریف جدید از فرهنگ و سیاست را در فضای پرتنش و خردگرای آن زمان مطرح کرد که خود یک تدبیر بزرگ در این دو حوزه بود. او تلاش صادقانه در جهت همگانی کردن ارزش‌های فرهنگی در عرصه ملی کرد، که تغییرات مقبول و مبارک را در پی داشت. همین‌طور در ادبیات سیاسی، مفاهیمی چون عدالت، توزیع عادلانه قدرت و حاکمیت سیاسی برای تمام اقوام، اصلاحات اداری، هم‌پذیری، انکشاف متوازن و ایجاد جرئت و جسارت جهت حق خواهی را برای توده‌های مردم مطرح کرد.

در دورانی که غوغای سیاسی و خشونت نظامی فضای افغانستان را گرفته بودند و همه کس و حتی فرهنگی‌ها کارشان شده بود نظامی‌گری و سیاسی‌فکر و عمل کردن، مزاری برعکس همه اندیشه، افکار و تلاشش در رابطه با مسائل فرهنگی بود و فرهنگیان را سخت تشویق می‌کرد، دوست داشت با آن‌ها روابطه حسنه داشته باشد. در سخت‌ترین شرایط از فرهنگیان مشوره می‌گرفت. استاد اعتمادی می‌گفت: «شهید مزاری از نزدیک فرهنگی‌ها را می‌دید و به طرح آن‌ها دقیق گوش می‌داد و با آن‌ها مشوره می‌کرد». با همه حرف و حدیث که گفته شد کارنامه فرهنگی باب‌ه مزاری به دو بخش قسمت می‌شود:

الف. بخشی آموزشی

شهید مزاری در بخش آموزشی حلقات زیادی را به وجود آورده بود؛ سیاسی، فرهنگی، ادبی و هنری که با هر کدام این‌ها به نحوی کار می‌کرد و استادان برجسته می‌آورد تا این‌ها را درس بگویند و برای خدمت به جامعه و مردم آماده سازند. او برای آموختن علم به جوانان تلاش می‌کرد تا از هر راه ممکن جوانان را پرورش دهد. علاوه بر استادان داخلی و غیرداخلي که آن‌ها را درس می‌گفتند، هر از گاهی شخصیت‌های بزرگی از کشورهای مختلف را دعوت می‌کرد تا در قالب سمینار، گفت‌وگو، تجربیات

فرهنگی، سیاسی و انقلابی خود را انتقال دهند. با امکانات کمی که در آن وقت وجود داشت، زمینه را آماده می‌کرد و از شخصیت‌های فکری و فرهنگی دعوت می‌کرد تا با حلقات فرهنگی ایشان صحبت کنند و تجربیات خود را انتقال دهند که از جمله صلاح‌الدین ایوبی از ترکیه، فحس از فلسطین شخصیت‌های انقلابی بودند به خاطری که تجربیات فرهنگی خود را منتقل کنند، برای‌شان سمینار می‌گرفت و همین‌طور شخصیت‌هایی از عراق، لبنان، پاکستان، الجزیره، مصر و کشورهای دیگر را می‌آورد تا این‌که تجارب فکری و فرهنگی خود را برای محصلان منتقل کنند

باور باب‌ه مزاری این بود که علاوه بر آموزشی که استادان به محصلان می‌دهد، تجربه فرهنگی، انقلابی و فکری کشورهای دیگر لازم و ضروری است. استاد زمینه را فراهم می‌کرد تا محصلان به این تجربه‌ها دسترسی پیدا کنند. علاوه بر سمینارها و نشست‌ها مضامین آموزشی را در مجله حبل‌الله به چاپ می‌رساند، گفت‌وگو با سنگ‌نشینان اسلام مانند عبدالطیف عامر، صلاح‌الدین و... معرفی پیشگامان نهضت اسلامی در جهان، شهید امام حسن‌البنی و... معرفی شهدای جهان اسلام، چاپ اخبار نهضت جهانی اسلام از مطبوعات جهان، معرفی نهضت‌های جهانی اسلام و افغانستان در ماه که گذشت، از جمله این فعالیت‌ها بودند.

معرفی شخصیت‌های فرهنگی و انقلابی برای محصلان از نظر آموزش سخت تأثیرگذار بود؛ چون در کتاب مطالبی که بیان می‌شدند، یافت نمی‌شدند. آن وقت اینترنت نبود به همین خاطر این مطالب در پیچه بزرگ فکری را برای نسل جوان آن روز باز می‌کرد.

دیگر از کارهای آموزشی شهید مزاری ایجاد کتابخانه بود. او در کنار هر جبهه و سنگری کتابخانه ایجاد می‌کرد تا مجاهدین از آن طریق به دانش روز دسترسی داشته باشند. کتاب‌خانه جوادیه در بلخ یکی از آن بود تا بچه‌های محصل به کتاب‌های مورد نیاز دسترسی داشته باشند. همین‌گونه کتاب‌خانه بزرگی را در بامیان ایجاد کرد. زمانی که برای

باور باب‌ه مزاری این بود که علاوه بر آموزشی که استادان به محصلان می‌دهد، تجربه فرهنگی، انقلابی و فکری کشورهای دیگر لازم و ضروری است. استاد زمینه را فراهم می‌کرد تا محصلان به این تجربه‌ها دسترسی پیدا کنند.



شهید مزاری می‌گفت: «باید در جامعه تغییر ایجاد شود و مردم تغییر کنند. وقتی این حرف شدنی است که خود مردم صاحب دانشگاه باشد». در آن وقت و شرایط این حرف کوچکی نبود.



حرف رهبر شهید را برای آن‌ها گفتم: «مردم از طریق دانشگاه تغییر می‌کنند.» حرف‌هایم را علی‌زاده و احمدی تأیید کردند؛ چون آن‌ها از مجتمع تحصیلات عالی شهید بلخی فارغ شده بودند. یک طرح نوشتیم و نزد کلان‌ها رفتیم. مقبول نشد. سرانجام طرح را به آقای قاسمی پیشنهاد کردم. ایشان قبول کرد و دانشگاه کاتب به وجود آمد که این‌و ام گرفته از آن جا بود. در واقع دانشگاه‌های اندیشه‌های شهید مزاری اند؛ چون تنها شهید مزاری مؤسس تحصیلات عالی در بین این مردم است.

شهید مزاری می‌گفت: «باید در جامعه تغییر ایجاد شود و مردم تغییر کنند. وقتی این حرف شدنی است که خود مردم صاحب دانشگاه باشد»، در آن وقت و شرایط این حرف کوچکی نبود. با این ایده، مجتمع تحصیلات عالی شهید علامه بلخی را تأسیس کرد و خودش در داخل آمد. در نظر داشت که در بامیان دانشگاه ایجاد شود. پیروزی مجاهدین زودرس شد. کابل آمد. مجتمع بزرگ خاتم‌الانبیا را در همین راستا کلنک زد. رشته‌هایی که آن جا باید تحصیل می‌شدند: فقه، اصول، حقوق، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، طب، انجیری بود. در همین مجتمع شفاخانه درست می‌شد و با پشتیبانی شفاخانه، رشته طب ایجاد می‌شد. فقه مذاهب درس گفته می‌شد تا تقریب مذاهب به وجود بیاید. این گزارش در هفته‌نامه حزب وحدت و خبرنامه حزب در کابل چاپ شده بود. همین‌طور شهید مزاری تلاش می‌کرد از طریق کتابخانه، بورسیه، ایجاد دانشگاه و آموزشگاه‌ها، تغییر و انقلاب فرهنگی در جامعه ایجاد کند.

دانشگاه کابل بسیار زود پس از به قدرت رسیدن مجاهدین تعطیل شد. شهید مزاری در تاریخ ۱۳۷۲/۶/۱۷ آن را بازگشایی کرد. استاد مزاری، دیدگاهش را به فرهنگ و دانشگاه در مراسم بازگشایی دانشگاه کابل در جمع گسترده‌ای از استادان، دانشجویان و رهبران جهادی، چنین بیان کرد: «دانشگاه مسئله حیاتی یک جامعه

ادغام دفترهای احزاب در ایران آمده بود، هرکسی که رهبر شهید را دعوت می‌کرد برای آن شخص می‌گفت: «شرط دارد. شرط اول این است که ما را دعوت نکنید و هر چه مصرف می‌کنید، کتاب بخرید. برای بامیان می‌خواهیم یک کتاب‌خانه بزرگ بزنیم و اگر هم دعوت می‌کنید، بگذارید از مابین قفسه‌های کتاب تان، هر قدر کتاب خوب باشد، برای کتاب‌خانه بامیان بگیریم».

گرفتن بورسیه از کشورهای مختلف از دیگر فعالیت‌های فرهنگی استاد شهید بود. مهم‌ترین آن بورسیه‌ها از کشور آذربایجان بود. در روزهای سخت و دشواری که سر غرب کابل از زمین و آسمان آتش می‌بارید، استاد شهید با دوراندیشی و درایت سیاسی که داشت، دولت آذربایجان را متقاعد کرد پنج‌صد بورسیه تحصیلی به حزب وحدت بدهد. با تلاش ایشان یکی از کشورها پنجاه بورسیه داده بود. ایشان می‌گفت: «با پنجاه بورسیه آن‌هم اگر به قول خود عمل کند، آیا مشکلات مردم رفع می‌شود؟ آیا با این کار تغییر فکری در کشور ایجاد می‌شود؟ بعد خودش در جواب می‌گفت: نه خیر باید مردم خود دانشگاه داشته باشند و از طریق دانشگاه خودشان بتوانند یک تغییر فکری و فرهنگی ایجاد کنند»، این‌جا بود که موسسه تحصیلات عالی شهید علامه بلخی را پایه‌گذاری کرد و در آن جا رشته حقوق تدریس می‌شد و بنا بود رشته مدیریت دولتی هم شروع شود که با شهید شدن باب، این دانشگاه به ثمر نرسید و فقط یک دوره فارغ داد که بسیار با برکت بود. کسانی که همین حالا در پست‌های بلند دولتی کار می‌کنند، از همان موسسه تحصیلات عالی شهید بلخی فارغ شده‌اند، بالاتر از آن دانشگاه کاتب وام گرفته از همین موسسه است. وقتی کابل آمد، تأسیس یک دانشگاه را با دکتر رسولی، دکتر فهیمی، دکتر صالحی، آیت‌الله محمدعلی علی‌زاده و محمدعلی احمدی، معاون ولایت غزنی مطرح کردم و دوستان را در جریان به وجود آمدن مجتمع تحصیلات عالی شهید علامه بلخی گذاشتم.

وقتی که قلم‌های نوشتاری پخته می‌شدند، آن را در حبل‌الله و پیام مستضعفین چاپ می‌کردند. استاد کسانی را که در حلقه‌های آموزشی بودند، بیکار نمی‌گذاشت و برای هر کدام آن‌ها کار خلق می‌کرد و می‌گفت: «کار تان را انجام دهید و بیکار نباشید.» و آن‌ها فعالیت‌های نشراتی‌شان را انجام می‌دادند. به همین خاطر بود که نشریه حبل‌الله وقتی شروع به کار کرد، برای دولت‌آبادی مضمون افغانستان در ماه که گذشت را پیشنهاد کرد.

رهبر شهید چرا روی این مسئله حساس بود؟ او نقل قولی را همیشه از حسن صباح می‌کرد: «حسن صباح برای پیروان خود می‌گوید: «پیروزی رسیدن جنبش اسم‌یله سخت است؛ چون دو سال تاریخش از سلسله حلقات تاریخی مفقود است». بابه می‌گفت: «ما اگر بخواهیم به پیروزی برسیم، حلقات زنجیری تاریخ ما هیچ وقت مفقود نباشد.» (افغانستان در ماه که گذشت.) باید نوشته شود که دولت‌آبادی آن را می‌نوشت. کسی که امروز بخواهد جریان گذشته افغانستان را قدم‌به‌قدم بفهمد، باید حبل‌الله را پیدا کند و نوشته‌ای که تحت عنوان افغانستان در ماه که گذشت را بخواند، متوجه می‌شود که در افغانستان چه گذشته است.» مزاری روی خطرات جهاد حساس بود. او می‌گفت که خطرات جهاد باید ثبت شود. شرح عملیات، جابه‌جایی مجاهدین باید دقیق ثبت شود تا از یادها نروند. در این رابطه، استاد نادرعلی مهدوی زابلی که خود مسئول ثبت حوادث سفر ۱۳۶۵ خورشیدی از هرات طرف بامیان بوده است، می‌نویسد: «وقتی که از جبهه هرات به طرف بامیان حرکت کردیم، رهبر شهید همراهانش را به چند گروه تقسیم‌بندی کرد، از جمله یک گروه فرهنگی تشکیل داد که کارشان فقط ثبت حوادث، اتفاقات و رویدادهای فرهنگی در طول سفر و بعد از آن در منطقه بودند که مجموع آن یادداشت‌ها کتاب ارزش‌مندی شده است. بابه به مسائل فرهنگی اهمیت ویژه‌ی قائل بود. «روزی در

است چه از نگاه سیاسی و چه از نگاه فرهنگی و عمران به همه چیز یک جامعه بستگی دارد، جامعه، حیاتش به فرهنگ و دانشگاه آن است. معتقدم آن چنان خساره به انقلاب و مردم ما از بسته‌شدن دانشگاه به مردم و مملکت وارد شده است که هیچ خسارات دیگر برابر آن نیست. باز بسیار متأسفم از دست شاگردان این پوهنتون از دست استادان این پوهنتون از دست کسانی که برای نجات این مردم برای نجات فرهنگ اسلام قیام کردند و مردم دنبال این‌ها راه افتیدند و یک میلیون و نیم قربانی دادند و شش میلیون آواره را قبول کردند. بسته بودن از دست این‌ها است. این جرمی است در پیشگاه ملت افغانستان، نابخشودنی و هیچ‌کس نمی‌تواند این گناه و جرم را برای عاملین بسته شدن دانشگاه ببخشد.»

ب. بخش انتشاراتی

شهید مزاری نشرات زیادی را پایه‌گذاری کرد. مراکز مهم فرهنگی جامعه ما، بدون تردید از برکات اقدامات شهید مزاری است. او بود که بسترسازی‌های حساب‌شده می‌کرد. توجهات بی‌شائبه و استراتژیک به چاپ و نشر داشت. ایشان انتشار افکار مختلف را سرنوشت‌ساز می‌دانست که خود در همین رابطه گفته بود: «امروز یک مسئله پذیرفته شده در سطح جهان است که مطبوعات آزاد باشد و هرکسی باید طبق برداشت‌های سیاسی و عقیدتی‌اش عقیده خود را منعکس نماید» که نمونه‌های عمل ایشان، انتشار مجله حبل‌الله، راه‌اندازی هفته‌نامه وحدت، تأسیس جریده امروز ما، طلوع وحدت و ده‌ها نشریه مهم و پرتیراژ دیگر که امروزه جزء منابع فرهنگی و ذخایر غنی و سودمند ملی محسوب می‌شوند.

شهید مزاری نشرات زیادی را برای این که دانشجویان و طلاب به عنوان تمرین کار کنند، راه‌اندازی کرده بود: پیام‌خون، پیام‌نصر، بولتن خبری نصر، بولتن خبری سحر و... از آن جمله‌اند. محصلان در این نشرات قلم می‌زدند.

دانشگاه مسئله حیاتی یک جامعه است چه از نگاه سیاسی و چه از نگاه فرهنگی و عمران به همه چیز یک جامعه بستگی دارد، جامعه، حیاتش به فرهنگ و دانشگاه آن است. معتقدم آن چنان خساره به انقلاب و مردم ما از بسته‌شدن دانشگاه به مردم و مملکت وارد شده است که هیچ خسارات دیگر برابر آن نیست.



رهبر شهید در رابطه با جایگاه فرهنگ و مراکز تحصیلی با توجه به کاستی‌ها و مسائل بغرنجی که جامعه از آن رنج می‌برد، دیدگاه روشن داشت. بر حفظ و حمایت از مراکز آموزشی تأکید می‌کرد و میزان رشد علمی و توسعه همه‌جانبه را وابسته به برخورد با فرهنگ و دانشگاه عنوان می‌کرد.



همین خاطر بود که خبرنامه‌ای به نام پیک و سحر به وجود آمده بودند. این نشریات تمام رادیوها را چه خوب می‌گفت و چه بد و تمام روزنامه‌ها را یک جای جمع می‌کرد و بعد به دست یک سری آدم‌های می‌رساند و می‌گفت که باید بخوانید و بفهمید که در جامعه چه می‌گذرد و با آگاهی قضاوت کنید.

جمع‌بندی

رهبر شهید در رابطه با جایگاه فرهنگ و مراکز تحصیلی با توجه به کاستی‌ها و مسائل بغرنجی که جامعه از آن رنج می‌برد، دیدگاه روشن داشت. بر حفظ و حمایت از مراکز آموزشی تأکید می‌کرد و میزان رشد علمی و توسعه همه‌جانبه را وابسته به برخورد با فرهنگ و دانشگاه عنوان می‌کرد و می‌گفت: «مسدود و تعطیل شدن دانشگاه خسران جبران‌ناپذیر است و تهدید جدی برای حیات یک جامعه محسوب می‌شود.» ایشان حتی اُفت مراکز آموزشی را مایه نابودی کشور می‌دانست. باورمندی به همین اصل، حفظ منافع ملی و ارج‌گذاری به دستورات اسلام بود که وی فعالیت دانشگاه و حضور دانشجویان در این مرکز را از نیازهای بنیادی می‌دانست. از این رو، دانشگاه کابل را فعال ساخت تا فرزندان این سرزمین درس بخوانند. چنین بود که با ایجاد ده‌ها نشریه در داخل و خارج و پایه‌گذاری چندین نهاد آموزشی در کشور زمینه نوشتن، درس و تحصیل جوانان را مساعد کرد.

ولایت هرات در قریه‌ای به نام کاریزک پیاده شدیم، غیر از چند خانه دهقان، بقیه ساکنین محل از ترس بمباران منطقه را ترک کرده بودند، طرف پاکستان و یا ایران مهاجر شده بودند. طبق معمول قبل از ظهر رفع خستگی کردیم. بعد از ظهر برای به جا آوردن وظیفه همراه یکی از رفقاً در آن حوالی گشتی زدیم. قریه سرسبز، خوش آب و هوا و زمین‌ها به مزارع تریاک تبدیل شده بود. صحبت با دهقانان تریاک، شنیدنی و خاطراتی تلخ و شیرین از حملات و بمباران‌های پی‌درپی نیروهای شوروی داشتند که دل انسان را به درد می‌آوردند. همه را یادداشت کردیم و خسته طرف قرارگاه برگشتیم. در مسیر راه قبرهای زیادی بودند، چشمم، به یک لوحه‌سنگ قبر شهید افتاد که بالای قبرش، چند بیت شعر، راجع به وصف آن شهید نوشته شده بود. از فرد خستگی شعر را یادداشت نتوانستم.

وقتی در قرارگاه کنار استاد مزاری آمدم. از یادداشت‌های آن روزم سوال کرد. چیزهایی که دیده و نوشته بودم. گزارش دادم. از جمله قضیه آن لوحه‌سنگ روی قبر شهید را که به نظرم بسیار جالب بود، نقل کردم؛ ولی ننوشته بودم. ایشان وقتی قضیه لوحه‌سنگ را شنید، با اصرار گفت: «رفته شعرها را از روی قبر یادداشت نمایید» بابه روی ماندگاری خاطرات جهاد حساس بود و افرادی را مسئولیت می‌داد تا بنویسد و به